

تصویرسازی خاقانی از
القاب و صفات و خصوصیات امام علی علیه السلام

دکتر عباس ماهیار ■
استاد دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

نویسندگان و شاعران مسلمان بنا به معتقدات دینی، نوشته‌ها و سروده‌های خود را به نام الله آغاز می‌کنند، سپس به ستایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازند و پس از آن یاران نبی مکرم را مدح می‌کنند. خاقانی نیز پاره‌ای از سروده‌های خود را با یاد خدا و بیان توحید آغاز کرده پس از آن ثنای مصطفی صلی الله علیه و آله گفته و در مرحله بعدی به مدح چهار یار پرداخته است. بررسی سروده‌های خاقانی نشان می‌دهد که ستایش یاران رسول به صورت منفرد در شعر او دیده نمی‌شود بلکه شاعر صفات و خصوصیات خلفا را برای ابداع مضمون‌ها استخدام کرده است و در این میان سهم امیرالمؤمنین بیشتر از دیگران بوده است، با این توضیح که شاعر از اسم و کنیه و القاب شیر یزدان برای ابتکار مضامین بهره جسته و غالباً با یاری تشبیه و یا استعاره و یا کنایه تصویرهایی آفریده است که یکی از طرفین تشبیه یا استعاره ممدوحان شاعر بوده است. این مقاله به این اشارات پرداخته و احیاناً اگر مشکلاتی در شعر بوده است برای پژوهندگان توضیح داده است.

کلیدواژگان: امام علی علیه السلام، ابوتراب، میرنحل، حیدر، باب علم، مظهر مواسات و اخلاص.

فصلنامه علمی «اندیشه‌های دینی و علوم انسانی» شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب مکنی به ابوالحسن و ابو تراب^۱ و ملقب به مرتضی و اسدالله و حیدر و یعسوب الدین و قاتل الهارمین و باب مدینه العلم^۲ و... اولین امام شیعیان از حیث تاریخ و چهارمین خلیفه‌ی مسلمانان و یکی از نامی‌ترین سرداران اسلام است.^۳ آن حضرت در خانه‌ی کعبه به دنیا آمد و در دامان نبی اکرم ﷺ تربیت یافت و به هنگام بعثت رسول خدا نخستین کسی بود که پس از خدیجه اسلام آورد، در حالی که ده یا سیزده سال بیش نداشت در پشت سر پیغمبر به نماز ایستاد. به هنگام هجرت در بستر رسول خدا خوابید و در سال دوم هجرت با دختر رسول خدا ازدواج کرد. او مدافع جان‌نثار رسول خدا ﷺ بود و در همه‌ی غزوات به جز غزوه‌ی تبوک شرکت کرد و در راه اعتلای اسلام شمشیر زد و ابراز شجاعت نمود.

پس از رحلت رسول گرامی مستشار خلفا بود و پس از قتل خلیفه‌ی سوم با بیعت مسلمانان با او، خلافت ظاهری نیز به او تفویض شد در ایام خلافت در بصره و صفین و نهروان در مقابل ناکثین (پیمان شکنان) و قاسطین (تجاوز کنندگان از حق و متمایلان بر باطل) و مارقین^۴ (مصران بر مخالفت) ایستاد و سرانجام در رمضان سال چهارم هجری به رفیق اعلی پیوست.^۵ خاقانی از اسماء و صفات و فضایل امیرالمؤمنین به گونه‌های مختلف برای ساختن مضامین اشعار خود بهره برده است که به شرح زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. حیدر

حیدر در لغت به معنی شیر و همچنین کوتاه قد است و حیدر نامی است که فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین به آن حضرت داد و پدرش ابوطالب آن را به علی تغییر داد. (اصفهانی: ص ۱۴) نام یا صفت حیدر برای امیرالمؤمنین از اسماء و صفات شناخته شده در ادب فارسی است و خاقانی مدوحان خود را حیدر نامیده و از آن تصویری ساخته است:

ملک عقیم گشته ز آل یزید^۶ گفتا کز نفس دین طراز تو به حیدری ندارم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸۱)

حیدر معنی شیر است و همچنین کوتاه قد است و حیدر نامی است که فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین به آن حضرت داد و پدرش ابوطالب آن را به علی تغییر داد. (اصفهانی: ص ۱۴) نام یا صفت حیدر برای امیرالمؤمنین از اسماء و صفات و فضایل شناخته شده در ادب فارسی است و خاقانی مدوحان خود را حیدر نامیده و از آن تصویری ساخته است:

این بیت در مدح یکی از سرداران است و خاقانی مدعی است که پادشاهی به تزلزل گراییده‌ی آل یزید لب به سخن گشوده و او را حیدری دین طراز نامیده است:
شاهها معظمًا ملک الشرق خسروا تو حیدری و حرزکیان ذوالفقار تست^۷

(همان: ۸۱۸)

این بیت مطلع قطعه‌ای است که شاعر در آن شروان شاه را حیدر و شمشیر او را ذوالفقار، حافظ چشم زخم خوانده است.

۲. ابوتراب

ابوتراب یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین است. درباره‌ی مکنی شدن امام علی علیه السلام به ابوتراب گفته‌اند که امیرالمؤمنین در مسجدی و یا سایه‌ی درخت خرمایی^۸ به خواب رفته بود و ردای آن حضرت از کتفش به کنار رفته و تن امیرالمؤمنین خاک آلوده شده بود تا آن که رسول خدا بالای سر او حاضر شده و خاک از سروتن مبارکش پاک کرده و با خطاب «قم یا اباتراب» (اربابی: ۹۱) او را از خواب بیدار کرده بود. و از آن به بعد ابوتراب در شمار یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین در آمده است.^۹
(همان، ۹۰) تصویرسازی خاقانی از کنیه‌ی امیرالمؤمنین مبتنی بر هم آهنگی‌های لفظی و ابداع جناس است:

سحر حلال من چو خرافات خود نهند آری یکی است بولهب و بوتراشبان

(همان، ۳۲۹)

ای ذوالفقار دست هدی‌زنگ گیر زنگ کان بوترا ب علم به زیر ترا ب شد

(همان، ۱۵۷)

نظام کشور پنجم اجل رضی‌الدین رضای ثانی ابونصر بوترا ب رکاب

(همان، ۴۹)

۳. میر نحل یا امیر النحل

میرنحل = یعسوب و یعسوب هر پیشوایی است که هم‌جنسان خود را راهنمایی می‌کند و این معنی در نحل زنبوران که تخم ریز زنبوران است غلبه دارد و چون زنبوران به غریزه‌ی طبیعی به دنبال او پرواز می‌کنند، او را امیرالنحل می‌گویند.

(جاحظ: ۳۲۸)

لقب امیرالنحل برای امیرالمؤمنین از معنای یعسوب مستفاد است که روایت شده است که «انّ النبی قال لعلی (رض) انت یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الکفار»^{۱۰} نبی اکرم ﷺ امیرالمؤمنین علی را فرمود: تو پیشوای مؤمنانی و مال پیشوای کافران یعنی مؤمنان به تو روی می آورند و کافران به سوی مال می گردند. نیز گفته اند که امیرمؤمنان را به سبب سبقت در اسلام و جز آن یعسوب الدین گفته اند.^{۱۱}

خاقانی یک بار در ستایش حضرت مصطفوی در غزوه بدر حضرت علی علیه السلام را امیرالنحل خوانده و مضمون بیت زیر را ابداع کرده است:

در علمش میرنحل نیزه کشیده چون نحل غرقه ی صد نیزه خون اهل طعان و ضراب
(همان، ۴۴)

بار دیگر به هنگام زیارت کاروان حاجیان از مشهد امیرالمؤمنین از کلمه امیرالنحل برای ابتکار مضمون استفاده کرده است:

پس به کوفه مشهد پاک امیرالنحل را همچو جیش نحل جوش انسی و جان دیده اند
بس پلنگان گوزن افکن که چون شاخ گوزن پشت خم در خدمت آن شیرمردان دیده اند
(همان، ۹۰)

۴. اسدالله، شیر یزدان

اسدالله = شیر یزدان از القاب امیرالمؤمنین است. شجاعت امام علیه السلام موجب شده است که جامعه ی اسلامی او را شیر خدا بنامند:

من خاک خاک او که ز تبریز کوفه ساخت خاک کی که اندرو اسدالله کند کنام
(همان، ۳۰۳)

و در بیت زیر اسدالله را شیر یزدان گفته است:

رانده ز آنجا تا به خاک حله و آب فرات موقف الشمس و مقام شیر یزدان دیده اند
(همان، ۹۰)

منظور از «آنجا» در این بیت «مداین» است که در بیت قبلی مذکور است.

حله: شهری است آبادان و در سر راه بغداد به کوفه واقع است و به حله ی بنی مزید مشهور است. سیف الدوله صدقه بن منصور^{۱۲} (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۵۱ و ۴۴۰) (۴۷۹ - ۵۰۱ هـ) در سال ۴۹۵ هـ حله را که منزل گاهی بیش نبود به شهری تبدیل کرد و پلی از کشتی ها بر روی رودخانه ی فرات بست و اندک اندک مسیر کاروان های حج

به سمت حله تغییر یافت (گای: ۷۷)، موقف الشمس: جایی در کنار نهر صراة^{۱۳} (همان، ص ۱۷۳) که از شعبات رود فرات است. روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین در یکی از سفرهای خود به هنگام غروب به کنار نهر صراة رسید و چون بعضی از یاران آن حضرت پیش از غروب مجال گذشتن از رود را پیدا نکردند از اضطراب فوت وقت نماز آزرده و اندوهگین شدند، امیرالمؤمنین دعا کرد تا خورشید در جای خود متوقف شد و یاران مراسم نماز به جای آوردند. علمای خاصه این واقعه را یکی از معجزات امیرالمؤمنان شمرده‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۸۹، اربلی: ۳۸۹؛ زواره‌ای: ۳۸۹)

خاقانی افزون بر این دو لقب برای امیرالمؤمنان، ترکیبات کنایی و صفی بسیاری مانند: شیر مردان، شیر غاب، شیر شرزهی غاب، شیر وغا، سرخ غضنفر و جز آن را که معنایی مترادف با اسدالله دارند ابداع کرده و از آن‌ها مضمون ساخته است:

بس پلنگان گوزن‌افکن که چون شاخ‌گوزن پست‌خم در خدمت آن شیرمردان دیده‌اند

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۹۱)

همبر شیر غاب دید ستنند^{۱۴}

به پیر کشته‌ی غوغا و شیر شرزهی غاب

(همان، ۵۱)

در بیشه‌ی صولت چو علی شیر وغابی

از نسل فریدونی نزل آل عبابی

(همان، ۴۳۷)

سگ بیدار کهف‌را در خواب

به یار محرم غارویه میر صاحب‌دل

در کشور دولت چو نبی شهر علمی

مانند علی سرخ غضنفر تویی ارچه

۵. رزم علی (ع)

شیر بیشه‌ی شجاعت به نوشته‌ی مورخان و سیره‌نویسان در همه‌ی غزوات رسول خدا به جز غزوه‌ی تبوک همراه وفادار پیغمبر اسلام بود او در غزوه‌های بدر و أحد و خندق و خیبر رشادت‌های تحسین‌برانگیز از خود به نمایش گذاشت در بدر ولیدبن عقبه (سیره رسول‌الله، ص ۵۶۱) و در خندق عمروبن عبدود (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۸۱) و در خیبر مرحب خیبری (زواره‌ای: ۲۸۶) را که هر یک از نامی‌ترین دلاوران عرب بودند به قتل رسانید (طبری، ۱۹۶۰: ۷۲-۸۸) و در نبرد با مارقین بیشتر خوارج را به هلاکت

رسانید و در غزوه‌ی احد چنان پایداری و مواساتی از خود نشان داد که از ملکوت آسمان ندای «لاسیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی» به گوش‌ها رسید. (رازی: ۳۹-۴۳)
خاقانی از این شجاعت‌ها و یاری کردن‌های امام علی علیه السلام تصویرهای مختلف به دست داده و فداکاری آن حضرت را در غزوه‌ی بدر چنین ترسیم کرده است:

در علمش میر نحل نیزه کشیده چون نخل غرقه‌ی صد نیزه خون اهل طعان و ضراب
چون الف سوزنی نیزه و بنیاد کفر چون بن سوزن به قهر کرده خراب و بیاب
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۴)

و در بیت زیر ضربتی را که امیرمؤمنان در روز خندق بر عمرو بن عبدود وارد آورده دست‌مایه‌ی ساختار مضمون بیت قرار داده است:

تارک ذوالخمار بدعت را ذوالفقار تو لاجرم بشکافت

(همان، ۴۷۰)

ذوالخمار: جنگ آوری که صورت خود را با روی بند می‌پوشاند و عازم نبرد می‌شود و مراد از ذوالخمار در این بیت عمرو بن عبدود است، چه سیره نویسان گفته‌اند که او با علامت و نشانه بیرون آمده بود تا شناخته شود و مؤلف کشف الغمه نیز نقل کرده است که عمرو بن عبدود بر تن خود علامتی نصب کرده بود تا نشان جایگاه و شهامت او باشد (اربلی: ۲۶۵). لفظ ذوالخمار در قصیده‌ی سنایی نیز اشاره‌ای واضح به او دارد:

عالمی پر ذوالخمار است از خمار خواجگی ای دریغا در جهان یک حیدر کرار کو؟
(همان، ۵۷۴)

در بیت زیر نیز شروانشاه در شجاعت به امام علیه السلام تشبیه شده است:
ای چراغ یزیدیان^{۱۵} که دلت چون علی خبیر ستم بشکافت

(همان، ۴۷۰)

و در اغراقی شاعرانه شدت ضربت امیرمؤمنان را در جنگ خبیر با حدت سنان ممدوح در برابر هم گذاشته و گفته است:

گر تیغ علی شکافت فرقی او البرز از سنان شکافت

(همان، ۵۱۲)

و در بیت زیر شجاعت امام علیه السلام در جدال با مارقین را دست‌مایه مضمون بیت

ساخته است.

آنست علی رایتی قاتل هر خارجی و آنست قباد آیتی قانع هر مزدکی
(همان، ۹۲۷)

۶. ذوالفقار علی علیه السلام

ذوالفقار (به فتح فاء) به معنی دارنده‌ی فقرات است و فقره هر یک از مهره‌های پشت را گویند که ستون فقرات را تشکیل می‌دهند و گفته‌اند: چون بر پشت ذوالفقار خراش‌های پست و هموار وجود داشته از این روی آن را ذوالفقار می‌گفتند و این که بعضی‌ها گمان برده‌اند ذوالفقار دارای دو تیغه و یا دو زبانه بوده است اصلی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن پاره‌ای از متأخران است. درباره‌ی ذوالفقار در کتاب‌های سیره و تاریخ اقوال مختلف نقل شده است؛ بعضی‌ها آن را شمشیر رسول خدا گفته‌اند (قشیری: ۲۷۹، و ابن‌ماجه: ۹۳۹) و روایت کرده‌اند که در جنگ احد امام علی علیه السلام ضربتی بر سر کافری زد که از سپر تا سینه‌ی او را شکافت اما شمشیر امام نیز شکست، صورت حال پیش رسول خدا گفت، رسول خدا شمشیر خود را «ذوالفقار» به امیر مؤمنان داد از دلوری‌هایی که امام علی در میدان نبرد نشان کرد زمین و زمان را شکفت شدند و ندای «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» از آسمان به گوش رسید. (ابن اثیر: ۱۵۴)

و نیز نقل شده است که ذوالفقار به منبه‌بن حجاج سهمی تعلق داشته که در جنگ بدر در ضمن غنائم جنگی به دست مسلمانان افتاد و به رسول خدا رسید (ابن ماجه: ۹۳۹، و قشیری: ۲۷۹). جماعتی گفته‌اند که ماده‌ی اصلی ذوالفقار از آهنی بوده است از بتی در یمن که مورد پرستش مردم بوده و امیرالمؤمنین آن را شکسته و نزد رسول خدا آورده است و از آن دو شمشیر ساخته شده که یکی از آن دو ذوالفقار بوده است (رازی: ۴۱). پاره‌ای از مفسران نیز در تفسیر آیه‌ی «و انزلنا الحديد فیه بأس شدید» (حدید: ۵۷، ۲۵) گفته‌اند که منظور از آهن در این آیه ذوالفقار است (همان). و جمعی را نیز عقیده بر این است که ذوالفقار شمشیر بهشتی است و جبرئیل آن را از بهشت آورده و نزد رسول خدا گذاشته تا در اختیار امیرالمؤمنین قرار بگیرد.

خاقانی از همین روایت به ابتکار مضمون پرداخته است:

دورها بوده در زمین بهشت تیغ حیدر برادر تیغش

مجلس ششمی «المکرمه» ادب و علوم اسلامی در شهر کاشان
شماره اول، پائیز ۱۳۸۵

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸۷)

و در بیت زیر با استفاده از روایتی که اصل ذوالفقار آهن بتی بوده است با ترک ادب شرعی اصل گوهر شمشیر حیدری را بر گرفته از نعل اسب ممدوح شمرده است:

آفتاب دولت سلجق که نعل رخس اوست اصل آن گوهر کزو شمشیر حیدر ساختند

(همان، ۱۱۲)

در باقی مانده‌ی تصویرها تیغ ممدوحان خاقانی به طریق استعاره به ذوالفقار مانند شده و ذوالفقار نام گرفته‌اند:

مصطفی عزم و علی رزمی که هست ذوالفقارش پاسبان مملکت

(همان، ۴۹۳)

از گهر یزیدیان زاده علی شجاعتی کز سر ذوالفقار او زاده قضای راستین

(همان، ۴۶۲)

چون حیدر ذوالفقار برکش تا چرخ جهودسان نجبند

(همان، ۵۱۳)

توضیحاً باید افزود که متوکل خلیفه‌ی عباسی در سال ۲۳۵ هـ ق فرمان داد که برای متمایز شدن مسلمانان از کلیمیان و مسیحیان ذمی، نصاری زنار بر کمر بندند و جماعت یهودیان غیار بر کتف خود بدوزند. شاعر خورشید را عیار جامه‌ی کبود فلک تصور کرده و آسمان به سبب داشتن چنین ردایی چرخ جهودسان گفته است و نیز باید گفت که دوختن غیار بر ردای آسمان در شعر خاقانی بی سابقه نیست:

گردون یهودیانه به کتف کبود خویش آن زرد پاره‌بین که چه پیدا برافکند

(همان، ۱۳۳)

زرد پاره استعاره از خورشید است که گردون مانند جهودان بر کتف کبود و خویش دوخته است.

۷. علم علی علیه السلام

امام علی علیه السلام تعلیم یافته‌ی مصطفی است صلی الله علیه و آله یعنی برخی از آنچه به صورت وحی بر مصطفی نازل شده است بر سینه‌ی او ریخته شده است و حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» رسول خدا فرمود که من شهر علمم و علی در آن است، زبان زد

مجله تخصصی دانش‌آموزی و دبیران و معلمان و اساتذ
شماره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

خاص و عام است. شاعر در بیت زیر ممدوح خود خاقان اکبر را با ترک ادب شرعی - که در سروده‌های ایام جوانی او بسیار دیده می‌شود، به رسول خدا ﷺ و علی مرتضیٰ علیه السلام تشبیه کرده و او را دُرّ دریای عقول و دَر مدینه‌ی علم یاد کرده است:

زیده‌ی دور عالمی ز آن چو نبی و مرتضی بحر عقول را دری شهر علوم را دری
(همان، ۴۲۴)

و در بیت زیر المقتفی (۵۳۰-۵۵۵ ه.ق) را خلیفه‌ی عبا‌رای بوبکر سیرت و علی علم گفته است:

بوبکر سیرت است و علی علم و تا ابد من در دعا بلالش و در حکم قنبرش
(همان، ۲۲۱)

۸. کرم و سخای علی

شهرت امام علی علیه السلام به رادمردی و بخشش، بی‌نیاز از ذکر و توصیف است و اقرار علمای عامه و خاصه به شأن نزول آیات زیر برای بیان کرامت و سخاوت او بسنده است.

الف: **أَنَا وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ** (مانده «۵» ۵۵) خداوند کارساز و یار شما و همدم شما الله است و رسول وی و پس مؤمنان، آنان که نماز به پای می‌دارند و زکات مال می‌دهند و ایشان پشت خم دادگان در رکوع. در روایات آمده است که آن ساعت که این آیه نازل شد، جمعی از اصحاب در نماز بودند و شماری نیز تمام کرده بودند و بعضی در رکوع بودند و قومی در سجود، رسول خدا در آن میان درویشی را دید که در مسجد می‌گشت و سؤال می‌کرد. او را پیش خواند و فرمود: «هل اعطاك احدًا شيئاً؟» آیا کسی چیزی به تو بخشید؟ گفت: بلی آن جوان مرد که در نماز است انگشتری سیمین به من داد. پرسید در چه حالی بود؟ گفت: در حال رکوع، اشاره به انگشتری کرد و من انگشتری از انگشت او در آوردم و چون به آن جانب نگریستند، امیرالمؤمنین علی مرتضی بود. (میدی: ۱۵۲)

و در حدیث ابن عباس آمده است:

«تصدق علی بخاتمه و هوراکع فقال النبی ﷺ للسائل: من اعطاک هذا الخاتم؟ قال ذلک؟ الراكع فانزل الله فيه «أنا ولیکم الله و رسوله» (علی المتقی: ۱۰۸)

ب: و يُطعمون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً (دهر «۷۶» ۸)؛ (و طعام می کنند به سبب دوستی او درویش و یتیم و اسیر را).

علمای عامه و خاصه به اتفاق گفته اند: آیه در شأن امیرمؤمنان و خاندان او نازل شده است و نقل کرده اند که حسنین علیهما السلام هر دو بیمار شده بودند. رسول خدا با جماعتی از صحابه به عیادت ایشان رفتند و گفتند: یا اباالحسن برامید عافیت و شفای فرزندان خود نذری کن. امام نذر فرمود که به شکرانه شفای آن دو تقریباً الی الله روزه بگیرد. حضرت فاطمه و کنیز او نیز چنین نذری کردند. پس از بهبود حسنین علیهما السلام امام سه صاع گندم خرید تا حضرت زهرا هر روز از یک صاع آن نان تهیه کند. چون روز اول بر سر خوان نشستند درویشی بر در ایستاد و سؤال کرد. بزرگواران غذا به سائل دادند. روز دیگر چون بر سر سفره افطار نشستند، یتیمی بر در ایستاد و نان خواست، کریمان نان به یتیم دادند و روز سوم، اسیری در زد و طلب نان کرد، ایثارگران خانه ی مولا، حضر به اسیر دادند تا این آیه در حق ایشان نازل شد.^{۱۶}

(مبیدی: ۳۱۹ - ۲۳۰؛ سیوطی ۳۷۱-۳۷۴)

سنایی هم این اتفاقات را در بیت زیر جمع کرده است:

زان سه قرص جوین بی مقدار یافت در پیش حق چنین بازار

(سنایی: ۱۳۷)

خاقانی در ابیات زیر ممدوحان خود را در کرم و جود و سخا به امیرمؤمنان تشبیه کرده است:

منعم روی زمین کوست به عدل و سخا چون عمر و چون علی گرد جهان داستان
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۵۲)

چو قحط کرم دید در مرز دهر علی وار تخم کرم کاشتش
(همان، ۸۹۱)

خورشید دلی و مشتری زهد احمد سیری و حیدر احسان
(همان، ۳۴۷)

فصلنامه علمی «انگاره ادبیات و علوم انسانی» شماره اول، شماره اول، پائیز ۱۳۸۵

۹. علی علیه السلام نماد بهلوانی

در زندگی هر ملتی بنا به پیش آمدهای گوناگون کسی یا کسانی ظهور می کنند که توجه جامعه را به خود جلب می کنند و اندک اندک نماد برخی صفات واقع می شوند. این نماد برای مردم ایران در حماسه‌ی ایرانی، رستم دستان بوده است. او مردی خردورز دلاور، شمشیر زن، طراح حمله‌ها و مرد دفاع و تدبیرهای جنگی است. پس از آن که مسلمانان آیین اسلام را پذیرفتند آرام آرام از صلابت و صولت رستم کاسته شده و یک بهلوان خدایی در زندگی مسلمانان بویژه ایرانیان پیدا آمده است. او جز شاه ملک لافتی علی بن ابی طالب نیست. مردمان به او دل باخته‌اند و رابطه‌ی عاطفی بسیار قوی میان آنان و شاه مردان به وجود آمده است. شاعران یاد کرد او را زیور و زینت زاده‌ی قریحه‌ی خود کرده‌اند و همدم رستم دستان ساخته‌اند چنان که مولوی شیر خدا را با رستم دستانش آرزو کرده است:

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

(کلیات شمس: ۲۵۵/۱)

خاقانی هم در مدایح خود گاهی این دو اسطوره را با هم آورده و در تشبیهات

خود از آن دو بهره جسته است:

حیدر آتش سنان آمد به رزم رستم آرش کمان آمد به رزم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۹۵)

و در بیت زیر ممدوح را رستم حیدر کفایت خوانده است:

داور مهدی سیاست مهدی امت پناه رستم حیدر کفایت حیدر احمد لوا

(همان، ۲۰)

۱۰. علی علیه السلام و بی توجهی او به دنیا

در این باب سوال معاویه از یکی از یاران امیرمؤمنان درباره‌ی بی توجهی امام به دنیا و جواب او در این باره حجتی شایان توجه است. شیعه‌ی امام علی علیه السلام گفت: امام در تاریکی شب‌ها در محراب عبادت می ایستد و گریه می کند و بر خود می پیچد و می گوید: ای دنیا ای دنیا از من دور شو «... دیگری بفریب مرا به تو نیازی نیست «وقد طلقتك ثلاثاً لا رجعة فیها» ترا به سه طلاق بائن طلاق داده‌ام که هیچ گونه

بازگشتی در آن نیست. (۱۱۱۹ و مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۲۸) خاقانی به مناسبت مرگ پسر عم خود، پدرش علی را به بی توجهی علی وار به دنیا دعوت می کند:
 علی را گو که غوغای حوادث کشت عثمان را علی وار از جهان بگسل که ماتم دار عثمانی
 (خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۵)

۱۱. علی علیه السلام و اجتهاد او در قضاوت

استوارترین آراء در فتوی و قضاوت به امام علی علیه السلام تعلق دارد و این قولی است که جملگی بر آنند، حتی گفته اند که خلیفه‌ی دوم گفت: «لا یفتین احدٌ فی المسجد و علی حاضر» (ابن ابی الحدید: ۱۸) در آن حال که علی علیه السلام در مسجد حضور دارد البته که کسی فتوی ندهد. و در حدیث نیز آمده است: «علی اقضاکم» (اریلی: ۱۳۴) علی علیه السلام بهترین شما در قضاوت است و خاقانی از رأی مصیب امام علی علیه السلام مضمون آفریده است:

بیخ ار فاروق ثانی را کنم مدحت به جان کاجتهاد حیدری رأی مصییش یافتم
 (همان: ۹۰۶)

۱۲. عصمت و تقوای امام علی علیه السلام

مؤلف حلیة الاولیاء در شمار القاب امیر مؤمنان «ولی المتقین» و «قُدوة المتقین» را نیز نقل کرده است (اصفهانی: ۶۱) و بی گمان شیر ولایت پیشوای خدای ترسان است. از ابن عباس نقل شده است که مراد از لفظ «متقین» در آیه‌ی «ان للمتقین مفازا» (نبا: ۳۷۸) پرهیزگاران را رستگاهی است جای پیروزی،^{۱۶} علی بن ابی طالب است که سید و سرور کسانی است که از ارتکاب به خواهش پرهیز داشته اند. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۲۰)

و از تقوی هزار فضیلت بر می خیزد که از جمله‌ی آن‌ها عصمت و پاکدامنی است. شاعر در دو بیت زیر به هنگام برشمردن فضایل دو تن از عالمان دین صفات آن دو را در پاکدامنی همچون صفات ولی المتقین یاد کرده است.

دو علی عصمت و دو جعفر جاه این یکی صادق آن دگر طیار
 هر دو زنبور خانه‌ی شهوات کرده غارت چو حیدر کراز
 (همان، ۱۳۸۲: ۲۰۲-۲۰۳)

فصلنامه تخصصی دانش و اندیشه ادبیات و علوم اسلامی
 شماره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

پی‌نوشت‌ها:

۱. درباره‌ی دیگر کنیه‌ها و وجه تسمیه‌ی بوتراب رک: کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۹۰.
۲. درباره‌ی دیگر القاب امیرالمؤمنین ر.ک: همان، ص ۱۹، و حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۱، ص ۶۱.
۳. در این مقاله کنیه‌ها و لقب‌ها با توجه به یاد کرد خاقانی از آن‌ها نقل شده است.
۴. درباره‌ی ناکتین و قاسطین و مارقین ر.ک: کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۱.
۵. در کتاب دو سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه توضیحات مفصل تری درباره‌ی زندگی امام علی (ع) نقل کرده‌ایم، ص ۱۳-۳۵.
۶. بعضی‌ها شروانشاهان را به جهت انتساب آنان به یزیدبن یزید شیبانی (متوفی ۱۸۵هـ.ق)، که از طرف هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳هـ.ق)، والی ارمنستان و آذربایجان و شروان و در بند بود آل یزید و با یزیدیان گفته‌اند.
۷. برای ملاحظه‌ی تصویرهای دیگر، ر.ک: دیوان، صص ۵۴، ۲۰، ۷۶، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۳، ...
۸. هر دو روایت را در کتاب «سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه» نقل کرده‌ایم، ص ۱۴.
۹. کنیه‌های امام (ع) عبارت بوده‌اند از: ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالریحان‌تین و ابوتراب.
۱۰. در کنز العمال به صورت «علی‌عسوب المؤمنین و المال‌عسوب الکفار»، ج ۱۱، ص ۶۰۴.
۱۱. حیاة الحیوان الکبری، کمال‌الدین محمدبن موسی دمیری، ج ۲، ص ۴۴۱.
۱۲. امیر صدقه بن منصور بن ابلیس بن مزید (مقتول در سال ۵۰۱هـ.ق) در سال ۴۷۹هـ.ق پس از مرگ پدرش امارت یافت.
۱۳. نهر صراة یکی از شعبات بزرگ رود فرات است که به موزات نهر عیسی در نزدیکی شهر انبار از فرات جدا می‌شده و در نزدیکی بغداد به دجله می‌ریخته است.
۱۴. خاقانی در قطعه‌ای مدعی شده است که هشت نفر صدیق در یک هفته و در خواب‌های مختلف رسول خدا را دیده‌اند که نظر عنایتی به سوی خاقانی می‌کند و امیرالمؤمنان را فرد سوم این رویا یاد کرده‌اند و در این بیت شاعر خویشتن را سگ اصحاب کهف تصور می‌کند در کنار امام علی (ع) است.
۱۵. مراد از یزیدیان شروان شاهان هستند که پیش از این درباره‌ی آنان سخن گفته‌ایم.
۱۶. کشف الاسرار و عدّة الأبرار، ج ۱۰، صص ۳۱۹-۳۲۰. و سیوطی این حدیث را با شرحی مفصل تر نقل کرده و آن را از موضوعات شمرده است. اللئالی المصنوعه فی احادیث الموضوعه، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۷۴.

فصلنامه تخصصی «انگاره» ادبیات و علوم انسانی و فلسفه، شماره اول، اسفندماه ۱۳۸۵، پاییز

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، معتزلی، شرح نهج البلاغه.
۲. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۳. ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ، کتاب الحیوان، به اهتمام عبدالسلام محمد هارون دار احیاء التراث العربی.
۴. اسحق بن محمد همدانی، ترجمه، سیرت رسول الله، بنیاد فرهنگ ایران.
۵. اصفهانی، ابو الفرج، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، ایران، بی تا.
۶. اصفهانی، ابو نعیم احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دارالکتاب العربیة.
۷. امیر المؤمنین علی علیه السلام نهج البلاغه، ترجمه و تحقیق فیض الاسلام.
۸. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ۷ مجلد بیروت، دارالکتاب العلمیة.
۹. جزری، ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار بیروت و دار صادر ۱۹۶۵.
۱۰. خاقانی شیروانی، افضل الدین بدیل، دیوان مصحح دکتر ضیاء الدین سجادی، چاپ هفتم، زوار، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. دمیری، کمال الدین محمد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری، قم، منشورات رضی.
۱۲. رازی، تفسیر شیخ ابو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ آستان قدس.
۱۳. روایت ابو القاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، مناحل الشفاء و مناهل الصفا به تحقیق کتاب شرف المصطفی دارالبشائر الاسلامیة.
۱۴. زواره‌ای، علی بن حسین، ترجمه المناقب، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة.
۱۵. سترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، ترجمه و نشر کتاب.

۱۶. سنایی، مجدود بن آدم، حدیقة الحقیقة و شرایعة الطریقة، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن، اللثالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، بیروت، دارالمعرفة،
۱۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، دارالمعارف مصر، ۱۹۶۰.
۱۹. علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۲۰. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، به اهتمام سید ابراهیم میانجی.
۲۱. ماهیار، عباس، سیمای شیر یزدان در حدیقة الحقیقه، کرج، جام گل.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۳. میبدی، رشید الدین ابوالفضل، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، چاپ دانشگاه تهران.